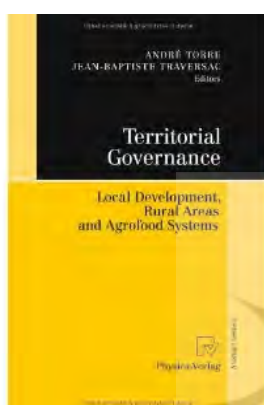




بررسی کتاب



Territorial Governance: Local Development, Rural Areas and Agrofood Systems/ Edited by Andre Torre and Jean-Baptiste Traversac. Berlin: Physica-Verlag (a brand of Springer), 2011, 207 pages.

حکمرانی سرزمینی: توسعه محلی، نواحی روستایی و سیستم‌های تولید و توزیع مواد غذایی / ویراستاران: آندره توره و ژان باتیست تراورساج. برلین: فیزیکا-ورلاگ (اسپرینگر)، ۲۰۱۱، ۲۰۷ ص.

تحول شیوه‌های زراعت، دگرگونی در صنایع تولید و توزیع مواد غذایی، کاهش جمعیت روستاها، معمول شدن فعالیت‌های جدید در این نواحی، توجه ویژه به مناطق طبیعی و حفاظت‌شده و افزایش نقش کشاورزی در توسعه پایدار، تغییرات و واقعیت‌های انکارناپذیر روستاها در زمان کنونی‌اند. به باور جامعه‌شناسان و اقتصاددانان، چنین مواردی به تغییر برداشت روستاییان از روستانشینی و ماهیت روستا منجر شده‌اند. در این شرایط، بازاندیشی در پویایی مناطق روستایی به منظور تبیین دگرگونی‌های بنیادین آنها، نقش روستاها در جوامع معاصر و آینده این مناطق، اهمیت فراوان دارد. از منظری دیگر، تحولات مناطق روستایی را می‌توان به‌مثابه منبع تعارضات در این مناطق در نظر گرفت. دیدگاه موسوم به "سرزمین‌های روستایی جدید"^(۱) که در این زمینه مطرح است، بیش از آن‌که نگرش روستاییان را انعکاس دهد، برخاسته از تمایل مصرف‌کنندگان ساکن در مناطق شهری است. این مصرف‌کنندگان، علاوه بر این‌که نگران مسائل زیست‌محیطی و حفظ چشم‌اندازهای طبیعی‌اند، خواهان محصولات غذایی سالم و رویه‌های کشاورزی مناسب (نگهداشت پایداری کشاورزی) نیز هستند.

روستا برای این مصرف‌کنندگان، تنها جنبه تولیدی ندارد و وجوه سکونتگاهی و تفریحی یا گردشگری را نیز دربرمی‌گیرد. با توجه به این مسائل و نیز ناهمگونی مناطق روستایی، می‌توان گفت که حکمرانی بر این مناطق یا سرزمین‌ها یعنی حکمرانی بر فضاهایی که انگیزش‌ها و کاربری‌های مختلف (غالباً برآمده از کشاکش قدرت)، آنها را چندپارچه و بخش‌بخش کرده است.

تغییرات اقتصادی و اجتماعی نواحی روستایی در عصر حاضر، تأثیرات مهمی نیز بر ساختارهای فضایی، راه و روش سازمان‌دهی نواحی روستایی و نیمه‌شهری و همچنین جغرافیای اقتصادهای محلی برجای گذاشته است. دگرگونی شیوه‌های نظم بخشیدن به مسائل محلی در کنار تغییر روابط جهان روستایی با عرصه‌های ملی و بین‌المللی، موضوعات حائز اهمیت دیگر در این زمینه‌اند. تحولات اثرگذار بر فعالیت‌های صنایع کشاورزی و غذایی، علاوه بر تغییر زندگی درونی مناطق روستایی، پیوند میان سطوح روستایی و جهانی را نیز تحت تأثیر قرار داده و تقویت کرده است؛ پیوندی که برای نقش‌آفرینان روستایی، مدت‌ها ناشناخته باقی مانده بود.

برای کشاورزان تقریباً خوداتکای آغاز قرن بیستم، بازار محلی به عنوان تنها عرصه و محل مبادله کالاها شناخته می‌شد و جهانی شدن، سال‌ها به عنوان ایده‌ای انتزاعی باقی ماند. طبق تصویری که در آن زمان وجود داشت، تصمیماتی که در جاهای دیگر اتخاذ می‌شوند، تأثیری اندک و یا کاملاً غیرمستقیم بر زندگی روزانه کشاورزان دارند. تحولات ۴۰ سال اخیر (برای مثال، لغو موانع تعرفه‌ای) به دگرگونی اساسی این نگرش انجامیده است.

حکمرانی، متضمن مشارکت تمامی افراد و گروه‌های ذینفع روستایی در فرایندهای تصمیم‌گیری است؛ افراد و گروه‌هایی که دارای ترجیحات و انگیزه‌های متفاوتی هستند. در مقوله حکمرانی، علاوه بر تأکید ویژه بر مشارکت و مشاوره، مؤلفه‌هایی نظیر هماهنگی، کنش و واکنش^(۲)، اقدام جمعی^(۳)، توانمندسازی^(۴) و یادگیری نیز اهمیتی بسزا دارند. در برخی از علوم انسانی (نظیر اقتصاد نهادی، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و مدیریت)، بحث از حکمرانی، ممکن است موضوعی خاص را دربرگیرد، اما در

رهیافت‌های میان‌رشته‌ای، این مقوله به مضامین مختلفی اشاره دارد: تخصص و اقدام عمومی، منفعت همگانی، حقوق مالکیت، تأکید بر اهمیت اجتماع محلی، توسعه، سیاست‌گذاری عمومی، طرح‌های داوطلبانه، دسترسی برابر به منابع و جز این‌ها. اندیشیدن پیرامون حکمرانی سرزمینی می‌باید اهداف عینی و انضمامی^(۵) (برحسب توسعه روستایی و محلی) را شامل شود. در این زمینه، تقویت فرایندهای دموکراسی محلی یا مشورتی^(۶) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در تعریف حکمرانی سرزمینی، علاوه بر سرزمینی‌کردن یا قلمروبخشی^(۷) به استانداردها، شیوه‌های مشارکت انواع کنشگران در یک فرایند تصمیم‌گیری جمعی یا توسعه اقتصادی، مورد توجه قرار می‌گیرد و مسائل مرتبط با حکمرانی روستایی و توسعه پایدار و کاربست این مقوله‌ها برای سرزمین‌های مختلف به پرسش کشیده می‌شود. علاوه بر این، حکمرانی سرزمینی، ناظر است بر حکمرانی چندسطحی، همکاری و هماهنگی میان سرزمین‌ها، و در نظر گرفتن سرزمین‌ها به مثابه مکان‌هایی برای اجرای پروژه‌های جمعی و همچنین نمودی از روابط محلی - جهانی.

هدف اصلی کتاب حاضر که از ۳ بخش و ۱۰ فصل تشکیل شده، مرور و واریسی تحقیقات جدیدی است که معطوف‌اند بر حکمرانی سرزمینی در نواحی روستایی. تأکید ویژه کتاب نیز بر نقش و جایگاه کشاورزی و فعالیت‌های مرتبط با صنایع غذایی در این نواحی است. بخش اول کتاب (روندهای ساختاری با عطف نظر به ساختارهای تولیدی)، شامل سه فصل است و موضوعاتی همانند بازارهای کار و سازمان‌دهی کسب‌وکارهای خرد را مورد بررسی قرار می‌دهد. در فصل اول (روندهای متغیر خویش‌فرمایی روستایی^(۸) در اروپا و ترکیه)، روندهای خویش‌فرمایی در بخش کشاورزی بر اساس انگیزه‌ها و مشارکت‌های متغیر مردان و زنان، ارزیابی و مقایسه شده است. طبق مباحث این فصل، اشتغال و خویش‌فرمایی کشاورزی، در طول زمان به تدریج کاهش یافته و این کاهش، اثرات متفاوتی بر اشتغال مردان و زنان در کشورهای مختلف داشته است.

فصل دوم (اشکال جدید کسب‌وکارهای صنعتی کوچک در نواحی روستایی: فراتر رفتن از ریشه‌های محلی؟)، حمایت از صنعتی‌شدن محیط‌های روستایی را برحسب عوامل برون‌زاد^(۹) (مانند ایجاد و تثبیت کسب‌وکارها و پیمانکاری‌های فرعی) و درون‌زاد^(۱۰) (نظیر ایجاد انگیزه برای برقراری سیستم‌های تولید محلی) مورد بررسی قرار می‌دهد. فصل سوم (ویژگی‌های جایگیری سرزمینی^(۱۱) با تمرکز بر گروه‌های تعاونی در فرانسه)، متمرکز است بر تعاونی‌های کشاورزی و راهبردها و رفتارهای روستاییانی که عضو آنها هستند. در این فصل، جایگیری سرزمینی، انعکاس‌دهنده سه معیار اساسی است: ۱- تعاونی‌های کشاورزی، فعالیت‌ها و اقدامات خود را کجا به انجام می‌رسانند؟ ۲- موقعیت اعضای آنها چگونه است؟ ۳- این اعضا، خدمات مورد نیاز خود را کجا دریافت می‌کنند؟ میزان ادغام گروه‌های تعاونی با بازارها، مبحث دیگر این فصل است.

بخش دوم کتاب (حکمرانی توسعه محلی در نواحی روستایی)، چهار فصل را دربرمی‌گیرد و از جمله به فرایند چانه‌زنی میان گروه‌های ذینفع و آنها که نمایندگی عموم را برعهده دارند، می‌پردازد. فصل چهارم کتاب (راهبردهای توسعه منطقه‌ای پایدار)، به دنبال پاسخی برای این پرسش است: مناطق روستایی - شهری چگونه می‌توانند به فرایند توسعه پایدار کمک کنند؟ فرض نویسنده این فصل این است که نوآوری‌های شبکه‌های غیررسمی می‌تواند به پایداری این مناطق کمک کند. در این زمینه، وی به ابتکارات از پایین به بالا^(۱۲) نظیر انجمن‌ها اشاره کرده است. چارچوب نظری این فصل، برگرفته از نظریه موسوم به رژیم شهری^(۱۳) است. مفهوم رژیم در این نظریه، نشانگر شیوه‌هایی است که از طریق آنها ائتلاف‌های خصوصی - خصوصی^(۱۴)، دولتی - دولتی^(۱۵) و دولتی - خصوصی^(۱۶)، هم توسط دستورکارهای توسعه شهری شکل می‌گیرند و هم به نوبه خود به این دستورکارها سامان می‌بخشند. ظرفیت‌سازی برای عمل، از موارد مورد تأکید نویسنده در این فصل است.

در فصل پنجم (حکمرانی، توسعه روستایی و مشارکت کشاورزان: جنبش‌های محلی معطوف به مواد غذایی)، براساس نتایج یک مطالعه موردی در ایرلند، عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر در پیوستن کشاورزان سنتی به جنبش‌های غذایی محلی به

کنکاش گذاشته شده است؛ جنبش‌هایی که توجه به آن‌ها در دستورکارهای امروزمین توسعه روستایی در حال افزایش است. به باور نویسنده این فصل، رویکرد حکمرانی به مقوله توسعه روستایی، سازوکار مشارکت انواع گروه‌های ذینفع بخشی و محلی را فراهم می‌آورد و در عین حال، افزایش ظرفیت ارزیابی منابع توسعه محلی را موجب می‌شود. فصل ششم (تحلیل‌های فضایی با هدف ارزیابی سیاست‌گذاری روستایی)، چارچوبی روش‌شناختی و تجربی (به‌مثابه یک مدل و همچنین یک سیاست) برای آینده روستایی و کشاورزی اروپا به دست می‌دهد. هدف این فصل، کمک به درک تغییرات ساختاری کاربری اراضی در محیط‌های روستایی است و برای این منظور از روش‌شناسی مرتبط با سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی^(۱۷) استفاده شده است. فصل هفتم کتاب (حکمرانی و کاربری مناقشه‌برانگیز اراضی^(۱۸))، به بررسی این موضوع می‌پردازد که حکمرانی سرزمینی چگونه می‌تواند تنش میان شیوه‌های عمل منطقه‌ای (که کنشگران مختلفی را شامل می‌شود) و شیوه‌های عمل سلسله‌مراتبی سیاست‌گذاری را حل و فصل کند.

بخش سوم کتاب (شاخص‌های جغرافیایی به‌مثابه ابزاری برای حکمرانی بر زنجیره‌های تولید و توزیع مواد غذایی)، شامل سه فصل است. فصل هشتم (دیدگاهی درخصوص شاخص‌های جغرافیایی با عطف توجه به کشور برزیل)، چگونگی تأثیرپذیری این شاخص‌ها از قوانین خاص دولتی و فدرال در برزیل و نیز ساختارهای نهادی‌ای را بررسی کرده که به منظور بازشناسی و ارتقای شاخص‌های یادشده پدید آمده‌اند. نویسنده قائل است که نهادی‌شدن این شاخص‌ها را باید به عنوان یک تجربه یادگیری جمعی مدنظر قرار داد. فصل نهم (همکاری و حکمرانی: یک تحلیل اقتصادی- نهادی جدید)، متمرکز است بر فرایندهای حکمرانی در صنایع تولید و توزیع مواد غذایی. در این فصل، بر پیچیدگی مبادلات پولی و غیرپولی بین کارگزاران ناهمگون درگیر در توسعه زنجیره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی عرضه مواد غذایی تأکید شده است. فصل دهم کتاب (شاخص‌های جغرافیایی و توسعه پایدار)، با توسعه یک چارچوب تحلیلی که مبتنی است بر بازتعریف مفهوم کالاهای عمومی، نقش

شاخص‌های جغرافیایی در توسعه پایدار سرزمینی را مورد بررسی قرار می‌دهد. نویسندگان این فصل، با اشاره به مرزهای رویکرد سنتی دارایی عمومی و تأثیر اقتصاد نوکلاسیک بر آن، دیدگاهی جایگزین (با استناد به فرضیه یان کُل^(۱۹)) پیش کشیده‌اند. طبق این فرضیه، کالاهای عمومی، دارای ساخت‌بندی اجتماعی^(۲۰) هستند و در عین حال، حلقه ارتباط مسائل مطرح در زمینه تصمیم‌گیری، توزیع و مصرف‌اند. موضوع مهمی که در این فصل مورد توجه قرار گرفته، درک چگونگی کمک شاخص‌های جغرافیایی به توسعه پایدار سرزمینی از طریق تولید کالاهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی است.

مقوله حکمرانی (به عنوان موضوع اصلی این کتاب)، ناظر است بر شبکه‌های سیاست‌گذاری، مدیریت عمومی، همکاری و هماهنگی میان بخش‌ها، مشارکت دولتی - خصوصی، مسائل مربوط به شرکت‌ها و مواردی از این دست (Higgins and Lawrens, 2005: 2). حکمرانی خوب با مؤلفه‌هایی همانند مشارکت، مسئولیت‌پذیری، شفافیت، جامعیت، عدم تبعیض میان افراد، و احترام به نظرات اقلیت - ها و اقشار آسیب‌پذیر، از جمله به احیای نقش دولت و افزایش حساسیت و پاسخگویی آن در زمینه‌های مختلف مانند مسائل جنسیتی (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۱۹۲) منجر می‌شود و ضمن کمک به کاهش فقر، درک تأثیر زمینه محلی بر نحوه اصلاح سیاست‌ها را امکان‌پذیر می‌کند (ابراهیمی، ۱۳۸۹).

حکمرانی روستایی که بخش قابل توجهی از این کتاب را به خود اختصاص داده و از حیث توسعه اجتماعی مشارکت محور از اهمیت بسیاری برخوردار است، در مباحث توسعه روستایی کشور ما کمتر به طور جدی مورد توجه قرار گرفته است. برنامه توسعه سازمان ملل^(۲۱)، حکمرانی روستایی را ناگزیر از پرداختن به پنج مسأله می‌داند: عدالت اجتماعی، پایداری اکولوژیکی، مشارکت سیاسی، تولید اقتصادی و نفوذ فرهنگی. مهم‌ترین اهداف این نوع حکمرانی عبارت‌اند از: ۱- بازساخت جامعه مدنی برای تقویت بیشتر سازمان‌ها، نهادها و جوامع محلی؛ ۲- کاهش جدایی‌گزینی اجتماعی و فرهنگی در شهرها و روستاها؛ ۳- افزایش مداخله افراد ذینفع در فرایندهای تصمیم-

گیری؛ ۴- بهبود کیفیت زندگی همه شهروندان؛ ۵- اعتلای امنیت، برابری و پایداری (رضوانی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۶۱). امروزه براساس آخرین تحولات نظری در عرصه اداره امور، بر لزوم کوچک شدن اندازه دولت و تقویت نهادهایی با بیشترین سطح نزدیکی به مردم (ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۶: ۱۶) و همچنین نقش پر قدرت اجتماع محلی در حکمرانی و تعیین و تدوین سیاست‌های روستایی (هال و میجلی، ۱۳۸۸: ۱۵۳ و ۱۵۲) تأکید می‌شود. با این حال، سازمان‌ها و نهادهای محلی در عرصه توسعه روستایی کشورمان با چالش‌هایی مانند نظام برنامه‌ریزی متمرکز، عدم تداوم برنامه‌های مشارکتی، فقدان فرهنگ‌سازی مشارکت عمومی و عدم وجود ساختارهای نهادی متناسب با شرایط محلی مواجه‌اند (باباجانی، ۱۳۸۶: ۷۰).

با شکست سیاست‌های توسعه از بالا به پایین و طرح رویکردهای مردم‌محور، توجه به مردم به عنوان عاملانی فعال و توانمند در اداره امور محلی، بیش از پیش افزایش می‌یابد. با وجود این، مشارکت از دیدگاه سازمان‌های اجرایی در کشور ما عمدتاً گونه‌هایی را دربرمی‌گیرد که فرصت کمتری برای ایفای نقش‌های فعال‌تر در توسعه در اختیار مردم محلی قرار می‌دهد. بررسی گونه‌های مدیریت روستایی در ایران نشان می‌دهد که تاکنون سه گونه کدخدایی، دهبانی و دهیاری در روستاهای کشور تجربه شده است. از دیدگاه توسعه اجتماعی اما آنچه تا امروز اتفاق افتاده، بی‌توجهی به مشارکت مردم در دو گونه نخست و سهم ناکافی این مشارکت در گونه سوم (که مدیریت روستایی کشور در زمان کنونی را برعهده دارد)، بوده است. مسئله مهم در این زمینه، بازنگری در وظایف و سازوکارهای سیاست‌گذاری دهیاری‌ها با کاربست نگرش‌های نوین مانند حکمرانی خوب است که مشارکت مردم در مدیریت روستایی کشور را افزایش می‌دهد (ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۶: ۹). در این رابطه می‌توان از مطالب جدید و کاربردی کتبی چون کتاب حاضر استفاده کرد.

مهدی ابراهیمی*

* کارشناس ارشد توسعه روستایی از دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (mehdi16359@gmail.com).

یادداشت‌ها

1. new rural territories
2. interaction
3. collective action
4. empowerment
5. concrete
6. deliberative
7. territorialisation
8. rural self-employment
9. exogenous
10. endogenous
11. territorial embeddedness
12. bottom-up
13. urban regime
14. private-private
15. public-public
16. public-private
17. Geographic Information Systems (GIS)
18. contested land use
19. Ian Kaul
20. socially constructed
21. United Nations Development Program (UNDP)

منابع

- ابراهیمی، مهدی (۱۳۸۸) جنسیت و سیاست اجتماعی در اوضاع و احوال جهانی: تأملاتی پیرامون ساختار جنسیتی شده امر اجتماعی، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره دهم، شماره ۱، ص ۱۹۱-۱۹۶.
- ابراهیمی، مهدی (۱۳۸۹) بازاندیشی سیاست اجتماعی، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره یازدهم، شماره ۲، در دست انتشار.
- ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۶) حکمرانی شهری: نگاهی نو به اداره امور شهرها، *ماهنامه شوراها*، سال دوم، شماره ۱۱، ص ۱۶-۲۰.
- ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۶) بررسی جایگاه توسعه اجتماعی در مدیریت روستایی ایران، *مجموعه چکیده مقاله‌های دومین همایش ملی توسعه روستایی ایران*، تهران، مؤسسه توسعه روستایی ایران.

باباجانی، آرزو (۱۳۸۶) آسیب‌شناسی مشارکت مؤثر نهادها و سازمان‌های محلی در فرایند تصمیم‌سازی توسعه روستایی در ایران، *مجموعه چکیده مقاله‌های دومین همایش ملی توسعه روستایی ایران*، تهران، مؤسسه توسعه روستایی ایران.

رضوانی، محمدرضا، نظری، ولی‌الله و خراسانی، محمدمبین (۱۳۸۹) *فرهنگ مفاهیم و اصطلاحات برنامه‌ریزی و توسعه روستایی*، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.

هال، آنتونی و میجلی، جیمز (۱۳۸۸) *سیاست اجتماعی و توسعه*، ترجمه مهدی ابراهیمی و علیرضا صادقی، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.

Higgins, V. and Lawrens, G. (2005) *Agricultural Governance: Globalization and the New Politics of Regulation*. London: Routledge.

